

قاعده

«التعزیر دون الحد»

○ سید محمد امین هاشمی

چکیده

قاعده تعزیر کمتر از حد، از معروف ترین قواعد فقهی است که کاربرد بسیاری در فقه جزایی اسلام دارد. عمده مستند آن، روایات است که به طرق گوناگون مفهوم قاعده از آنها قابل برداشت است. روایاتی به طور صریح می گویند که تعزیر کمتر از حد است. برخی روایات میزانی برای تعزیر مشخص می کنند و آن میزان را کمتر از حد قرار می دهند. برخی دیگر از احادیث، حدی را از جرمی نفی و در مقابل، تعزیر را ثابت می کنند. اگرچه مناقشاتی در سند و دلالت روایات وارد است، اما از مجموع آنها این قاعده قابل استفاده است.

در تفسیر این قاعده، اقوال متعددی بیان شده است: برخی حد معیار را در انسان آزاد، هشتاد ضربه و در بنده، چهل تازیانه در نظر گرفته اند. دسته ای گفته اند: در تعزیرات باید تناسب رعایت شود؛ مثلاً در جرایم هم خانواده با قذف این حد معیار است و... برخی

دیگر حد معیار را هفتاد و پنج ضربه معین کرده‌اند. در این نوشته، پس از بررسی اقوال، نظریه ای ارائه شده است.

مواردی در فقه مطرح شده است که مجازات تعزیری همتر از مجازات حدی قرار گرفته است و بحث و بررسی شده که نقض یا استثنایی برای قاعده محسوب می شود یا نه؟ در پایان، جایگاه قاعده در قانون مجازات اسلامی بررسی شده است.

کلید واژه گان: تعزیر، حد، دون الحد.

*

مقدمه

تفاوت اساسی حد با تعزیر امری پذیرفته در نظام جزایی اسلام است و کمتر بودن مجازات تعزیری از مجازات حدی، در فقه اسلامی مشهور است که از آن به قاعده «التعزیر دون الحد» تعبیر می شود.

بحث از این قاعده پیشینه ای به درازای بحث حدود و تعزیرات در فقه دارد که فقها در موارد بسیار به این قاعده تمسک جستند و این قاعده به عنوان مشهورترین و پر کاربردترین قاعده تعزیرات مطرح است، لیکن با توجه به مستندات، آیا می توان تعزیر کمتر از حد را به عنوان قاعده فقهی پذیرفت؟ و در صورت پذیرش، مفهوم قاعده چیست؟ آیا بدین معناست که هر مجازات تعزیری، باید کمتر از هر مجازات حدی باشد یا مفهوم دیگری از آن برداشت می شود؟ و پس از آن، چه حدی به عنوان ضابطه و معیار در این قاعده قرار می گیرد؟

پاسخ به پرسش های فوق از نقاط بحث انگیز فقه جزایی است، تا جایی که محاکم دادرسی را نیز در خصوص مجازات تعزیری با مشکل مواجه ساخته است. نوشته حاضر تلاش کرده تبیین دقیقی از قاعده ارائه کند و ابهامات آن را برطرف سازد و به چالش های فقهی مسئله پاسخ دهد. امید است این بحث برای قانون گذار و محاکم دادرسی راه گشا باشد.

آیت الله گلپایگانی در ذیل روایاتی که میزان تعزیر در آن مشخص شده، می گوید:

در تعزیر گرچه در مواردی حداقل و حداکثر مقدار معین شده، اما تعیین میزان میان آن دو به نظر حاکم واگذار شده است و برخلاف حد است که میزان آن دقیقاً بدون کمی یا زیادی معین شده، بی آنکه حاکم حق انتخابی داشته باشد.^۶

آیت الله فاضل بیان می کند:

حد، گاه در مقابل عنوان تعزیر و گاه در مقابل دیگر عناوین فقهی چون بیع و اجاره و ... قرار می گیرد. در صورت نخست بنا بر اقتضایی که مقابله دارد، دوگانگی و مغایرت ثابت می شود [حد چیزی غیر از تعزیر است]، اما در صورت دوم شامل تعزیر نیز می شود. این همانند دو عنوان فقیر و مسکین است، هنگامی که با هم می آیند، معنایی غیر از هم دارند و زمانی که جدا ذکر می شوند، به یک معنا هستند ... هر دو صورت در روایات یافت می شود.^۷

آیت الله صافی گلپایگانی تعزیر را به زدن کمتر از حد «ضرب دون الحد» تفسیر می کند.^۸

قانون مجازات اسلامی که بیشتر منعکس کننده نظر مشهور فقیهان امامیه است، در تعریف تعزیر آورده است:

۶. علی کریمی جهرمی، الدر المنضود في أحكام الحدود، دروس آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۱.
۷. محمد موحدی، الحدود (تفصیل الشریعة في شرح تحریر الوسيلة)، دروس آیت الله محمد فاضل لنکرانی، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ۱۴۲۲ ق، ص ۵.
۸. لطف الله صافی گلپایگانی؛ التعزیر، انواعه، ملحقاته، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۳.

فاضل مقداد گفته است: «حد در اصطلاح شرعی مجازاتی جسمی - به درد آوردن بدن - است که میزان آن را شارع مشخص کرده است».^{۱۲}
شهید ثانی در مسالک آورده است:

حد در شرع مجازات مخصوصی است، به درد آوردن بدن است به سبب آن که مکلف مرتکب گناه خاصی شده و شارع میزان آن را در تمام افرادش مشخص نموده است.^{۱۳}

سید علی طباطبائی در ریاض نیز همین تعریف را آورده است.^{۱۴}
سید عبدالاعلی سبزواری چنین گفته است:

مشهور در میان فقها این است که هر آنچه مجازاتش معین است، حد است و آنچه این گونه نباشد، تعزیر است. ناگزیر این معیار غالبی است. در غیر این صورت در شرع تعزیرات مخصوصی وارد شده است که میزان معین شرعی دارند... از این رو، حد را به دو بخش تقسیم می کنند: حد به معنای خاص و حد به معنای عام که تعزیرات را دربر می گیرد.^{۱۵}

آیت الله گلپایگانی گفته است:

حد مجازاتی است که کمی و زیادت در آن ممکن نیست و حاکم در شدت و ضعف آن اختیاری ندارد.^{۱۶}

۱۲. فاضل مقداد، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۴، ص ۳۲۷: «شرعاً: عقوبة تتعلق بإيلام البدن عين الشارع كميتها».

۱۳. مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۳۲۵: «و شرعاً: عقوبة خاصة تتعلق بإيلام البدن بواسطة تلبس المكلف بمعضية خاصة عين الشارع كميتها في جميع أفراده».

۱۴. ریاض المسائل، ج ۲، ص ۴۵۹.

۱۵. سید عبدالاعلی سبزواری، مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام، دفتر آیت الله سبزواری، مصحح: مؤسسة المنار، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۷، ص ۲۲۳.

۱۶. الدر المنضود في احكام الحدود، ج ۱، ص ۲۱.

۵. اگر معصیت اندک باشد، تعزیر متناسب با آن کم می شود.
۶. تعزیر با توبه ساقط می شود؛ در صورتی که توبه در حد، فقط قبل از قیام بینه آن را ساقط می کند.
۷. حاکم در انتخاب انواع تعزیر آزاد است و چنین اختیاری در حدود، جز در محاربه وجود ندارد.
۸. تعزیر به حسب فاعل، مفعول و جنایت متفاوت است، برخلاف حدود که چنین امری در آن وجود ندارد.
۹. اگر نحوه مجازات های اجتماعی در شهرها متفاوت باشد، در تعزیر عادت رایج مورد توجه قرار می گیرد؛ در صورتی که حد در همه جا یک سان است.
۱۰. تعزیرات انواع گوناگونی دارند: برخی حق الله است، برخی حق الناس، و برخی مشترك میان حق الله و حق الناس است، برخلاف حدود که همه حق الله است، به جز قذف که اختلافی است.^{۱۸}
- برخی از محققان موارد دیگری را افزوده اند که می توان آنها را به موارد قبلی ضمیمه کرد:
۱۱. برخلاف حد، تعزیر با یک بار اقرار ثابت می شود.
۱۲. حاکم در تعزیر اختیار عفو مطلق دارد، اما در حد در صورتی می تواند عفو کند که با اقرار ثابت شده باشد.
۱۳. شفاعت و کفالت در تعزیر جایز است، اما در حد جایز نیست.^{۱۹}
- گرچه برخی موارد فوق قابل مناقشه است، اما بحث از آن مجال دیگری را می طلبد.

۱۸. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) القواعد و الفوائد، تحقیق: سید عبد الهادی حکیم، ج ۲، کتابفروشی مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۴۲.

۱۹. یحیی طائی، التعزیر فی الفقه الاسلامی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۵.

۱. تعزیر کمتر از حد

در اینجا به روایاتی اشاره می‌شود که در آن تعزیر به طور صریح کمتر از حد تعیین شده است. برای نمونه؛ به مواردی اشاره می‌شود.

۱-۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ، قَالَ: قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) كَمْ التَّعْزِيرُ؟ فَقَالَ: دُونَ الْحَدِّ. قَالَ: قُلْتُ: دُونَ ثَمَانِينَ؟ قَالَ: فَقَالَ: لَا وَلَكِنَّ دُونَ الْأَرْبَعِينَ فَإِنَّهُ حَدُّ الْمَمْلُوكِ. قَالَ: قُلْتُ: وَكَمْ ذَلِكَ؟ قَالَ: قَالَ: عَلَيَّ قَدْرٌ مَا يَرَى الْوَالِي مِنَ ذَنْبِ الرَّجُلِ وَقُوَّةِ بَدَنِهِ؛^{۲۰}

حماد بن عثمان نقل می‌کند که به حضرت امام صادق (ع) عرض کردم: میزان تعزیر چقدر است؟ فرمودند: کمتر از حد. عرض کردم: کمتر از هشتاد ضربه؟ حضرت فرمودند: نه، بلکه کمتر از چهل ضربه که حد مملوک است. عرض کردم: و آن (کمتر از چهل ضربه) چقدر است؟ فرمودند: به اندازه‌ای که حاکم با در نظر قرار دادن گناه شخص و توانایی او صلاح بداند.

بررسی: این روایت از لحاظ سندی به صحیح‌ه حماد بن عثمان شهرت یافته است و دلالت آن در مفاد قاعده التعزیر دون الحد روشن است و شاید بتوان گفت واژگان و اصل قاعده التعزیر دون الحد برگرفته از همین روایت است و در بحث تعزیرات، که همواره به این روایت استناد می‌شود می‌توان گفت دارای شهرت فتوایی در میان اصحاب است. اما مناقشاتی نیز در دلالت این روایت شده است:

اول آنکه کمترین میزان حد در این روایت هشتاد ضربه بیان شده؛ در حالی که کمترین میزان حد، حد قوادی ۷۵ ضربه است.

دوم آنکه بر اساس این روایت ملاک در حداکثر تعزیرات، حد برده؛ یعنی چهل ضربه است که نایستی به آن برسد، بلکه باید همواره کمتر از آن باشد که این

۲۰. ثقة الاسلام کلینی، کافی، ج ۷، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۴۱.

۱-۲. أخبرنا عبد الله أخبرنا محمد حدثني موسى قال: حدثنا أبي عن أبيه عن جده جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عن علي (ع) في الرجل يقول للرجل يا أكل لحم الخنزير يا شارب الخمر قال: عليه التعزير دون الحد؛ ۲۲

در حدیثی از امیر مؤمنان (ع) سؤال شد: اگر مردی به دیگری بگوید: ای گوشت خوک خور و ای شراب خور. آن حضرت فرمودند: کمتر از حد تعزیر می شود.

بررسی: به این روایت این گونه استدلال شده که اگرچه آغاز حدیث به مورد خاصی اشاره دارد، اما در ذیل روایت امام (ع) به طور مطلق و کلی می فرماید که تعزیر کمتر از حد است و این همان مدلول قاعده محل بحث است. این حدیث از جهت سندی، به دلیل آنکه سلسله راویان ذکر نشده، ضعیف قلمداد می شود و از سوی دیگر، در فرض صحت سند، مشهور بدان توجهی نکرده و بر اساس آن فتوا نداده اند.

اما از جهت دلالت، مدلول آن مطابق با سایر عموماً تعزیر است و مطلبی را غیر از آنچه در سایر ادله آمده، بیان نمی کند.

در مورد این قاعده، این روایت همه تعزیرات را در بر نمی گیرد و تنها دلیلی برای تعزیرات باب قذف است که کمتر از حد آن است. البته ممکن است مناقشه ای در شمول آن نسبت به باب قذف نیز صورت گیرد که از ذکر آن صرف نظر می کنیم.

۱-۳. علي بن إبراهيم عن أبيه عن عمرو بن عثمان الخزاز عن الفضل بن إسماعيل الهاشمي عن أبيه قال: سألت أبا عبد الله (ع) و أبا الحسن (ع) عن امرأة زنت فأنت بولد و أقرت عند إمام المسلمين بأنها زنت و أن و كدها ذلك من الزنى فأقيم عليها الحد و إن ذلك الولد نشأ حتى صار رجلاً فأفترى عليه

۲۲. أشعث كوفي، أبي علي محمد بن محمد، جعفریات (الأشعثیات)، تهران، ص ۱۳۵.

حدی اشکال دارد، اما ذکر این روایت در کتب اربعه و عمل فقها بر طبق آن می تواند جبران ضعف سند کند. اکثر فقها در ذیل بحث التعزیر دون الحد، اشاره ای به این روایت نکرده اند، اما در باب قذف، آن را ملاحظه و بر اساس آن حکم کرده اند. اما دلالت این حدیث بر این قاعده، بسته به تبیین جمله کلیدی «و هو دون الحد» است که اگر ضمیر «هو» را به مطلق تعزیر برگردانیم، در این صورت دلالت آن بر قاعده تمام است و مفاد آن چنین است: چنین فردی حد نمی خورد و تعزیر می شود که تعزیر همواره کمتر از حد است. اما اگر ضمیر «هو» را به تعزیر مذکور در روایت برگردانیم، در این صورت نمی تواند به عنوان دلیلی برای قاعده مطرح شود؛ زیرا بر این اساس، روایت می گوید: چنین فردی حد زده نمی شود و تعزیر می شود و این تعزیر کمتر از حد است، و دلالت ندارد که سایر تعزیرات کمتر از حد خواهند بود. البته روشن است بنا بر هر دو تفسیر، تعزیر باب قذف کمتر از حد آن خواهد بود و در صورت دوم، بیان موردی برای قاعده التعزیر دون الحد به شمار می رود. نتیجه آنکه اگر چه سند و دلالت این روایت در مورد مفاد کل قاعده مناقشه انگیز است، اما به نحو موجهه جزئی می تواند بر آن دلالت و سایر ادله را یاری کند.

۲. تعزیر کمتر از حد

معصوم در این دسته از روایات، میزان تعزیر را به طور مطلق مشخص می کند که غالباً حداقل و حداکثری برای آن تعیین شده است.

يُونُسُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبرَاهِيمَ (ع) عَنِ التَّعْزِيرِ كَمْ هُوَ؟

قَالَ: بِضْعَةَ عَشَرَ سَوْطًا مَا بَيْنَ الْعَشْرَةِ إِلَى الْعِشْرِينَ؛^{۲۴}

اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم (ع) در باره مقدار تعزیر پرسیدم.

فرمود: کمی بالاتر از ده ضربه بین ده تا بیست ضربه.

۲۴. همان، ص ۱۴۴.

نزدیکی با چهارپایان،^{۲۸} کسی که به زنش بگوید: تو را باکره نیافتم^{۲۹}، تعزیر دو نفری که همدیگر را قذف کنند^{۳۰}، قذف اهل ذمه^{۳۱}، ارتکاب جرم حدی به وسیله نابالغ^{۳۲}، خوردن نجاسات^{۳۳}، توهین و افترا^{۳۴}، دزدی^{۳۵}، دزدی از غنیمت و بیت المال^{۳۶}، نبش قبر (کفن دزدی)^{۳۷}.

برای پرهیز از اطناب، به نمونه ای اکتفا می کنیم. در مورد اجتماع زیر یک لباس آمده است:

يُونُسُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): الْمَرَأَتَانِ تَتَمَامَانِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ. فَقَالَ: يُضْرِبَانِ. قَالَ: قُلْتُ: حَدًّا؟ قَالَ: لَأ، قُلْتُ: الرَّجُلَانِ يَتَمَامَانِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، فَقَالَ: يُضْرِبَانِ. قَالَ: قُلْتُ: الْحَدُّ؟ قَالَ: لَا^{۳۸}؛

معاویة بن عمار گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: دو زنی که در زیر یک لباس می خوابند (حکمشان چیست؟) فرمودند: زده می شوند. عرض کردم: حد؟ فرمودند: نه. عرض کردم: دو مردی که زیر یک لباس می خوابند، چطور؟ فرمودند: زده می شوند. عرض کردم: حد؟ فرمودند: نه.

۲۸. عبد الله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، مكتبة نینوی، تهران، بی تا، ص ۵۰، باب اتیان البهائم: «لا رجم علیه ولا حد و لكن يعاقب عقوبة موجعة».

۲۹. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۴۴۴، باب من قال لامرأته: لم أجلك عذراء.

۳۰. وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۴۳۷، باب متقاذفین.

۳۱. همان ص ۲۰۰، باب حکم اهل الذمة و نحوهم اذا قذفوا.

۳۲. همان، ص ۲۰، باب اشتراط البلوغ في وجوب الحد تماماً.

۳۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷۱، باب الحد اكل الميتة و الدم و لحم الخنزیر.

۳۴. کافی، ج ۷، ص ۲۴۲، في رجلٍ دعا آخرَ ابنَ المَجْنُونِ.

۳۵. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۱۴.

۳۶. وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۲۸۹.

۳۷. شیخ طوسی؛ استبصار، ۱۳۹۰ق، ج ۴، دار الکتب الإسلامية، تهران، ص ۲۴۶.

۳۸. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۴۰، باب حدود الزنا.

در جای خود به بررسی آنها می پردازیم، اما از ذکر این دسته در اینجا خودداری می کنیم.

دسته دوم، روایاتی که با ملاحظه و در نظر قرار دادن حد، تعزیر را کمتر از حد قرار داده اند که یک نمونه از این روایات را ذکر می کنیم:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ نَصْرَانِيٍّ قَذَفَ مُسْلِمًا فَقَالَ لَهُ: يَا زَانٍ. فَقَالَ: يُجْلَدُ ثَمَانِينَ جَلْدَةً لِحَقِّ الْمُسْلِمِ وَثَمَانِينَ سَوْطًا إِلَّا سَوْطًا لِحُرْمَةِ الْإِسْلَامِ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ وَيُطَافُ بِهِ فِي أَهْلِ دِينِهِ لِكَيْ يَنْكَلَّ غَيْرُهُ؛^{۴۰}

عباد بن صهیب گوید: از امام صادق (ع) در مورد مسیحی ای سؤال شد که به مسلمانی نسبت زنا داده و به او گفته بود: ای زناکار. امام فرمودند: هشتاد ضربه به جهت حق مسلمان به وی زده می شود و هفتاد و نه تازیانه به سبب حرمت اسلام زده و سرش تراشیده و در میان هم کیشانش گردانیده می شود تا دیگران عبرت بگیرند.

بررسی: شاید بتوان گفت قاعده التعزیر دون الحد، فی الجملة از این روایات قابل استفاده است البته مفاد این روایات به طور صریح نشان می دهد که حکم موارد معینی از تعزیرات کمتر از حد است و در حقیقت مصادیقی از جرائم که مجازات آن کمتر از حد است، بیان شده است. در اینجا این پرسش مطرح است که آیا همه تعزیرات کمتر از همه حدودند یا مجازات برخی جرائم تعزیری به اندازه حد است؟ در قبال این پرسش ها، پاسخی از این روایات به دست نمی آید.

این دسته از روایات همانند دسته قبلی نوعی اشعار کلی به قاعده التعزیر دون الحد دارند. وقتی معصوم (ع) مجازات جرم تعزیری را اندکی کمتر از میزان مجازات حدی قرار می دهد و به طور دقیق به میزان حد، التفات دارد و بر اساس آن

۴۰. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۷۵.

تفسیر این قاعده اختلافاتی به چشم می خورد که به بررسی آنها می پردازیم:

قول اول: هفتاد و نه ضربه در آزاد و سی و نه ضربه در عبد

شیخ الطائفه در تفسیر این قاعده آورده است:

مقدار تعزیر به مقدار حد کامل نمی رسد، بلکه کمتر از آن است و کمترین مقدار حد در افراد آزاد هشتاد تازیانه و در برده ها چهل تازیانه است. پس نهایت تعزیر در باره شخص آزاد هفتاد و نه تازیانه و حداکثر تعزیر در باره برده ها سی و نه تازیانه خواهد بود. ۴۱

در جای دیگر می فرماید:

مقدار تعزیر در نزد ما و عده ای به کمترین مقدار حد نمی رسد که نهایت تعزیر هفتاد و نه ضربه در مورد انسان آزاد است ... و مقدار آن در برده از نظر ما یکی کمتر از پنجاه تازیانه است که حد زنا در برده است، اما در مورد شرب خمر و قذف، حد برده نصف آزاد نیست؛ چون اصحاب ما از ائمه روایت کرده اند که انسان آزاد و برده در آن یک سان هستند و روایاتی نیز دلالت دارند که این دو حد نیز نصف است که در نتیجه تعزیر برده سی و نه تازیانه است. برخی گفته اند کمترین مقدار حد در بنده بیست تازیانه در شراب است که بر اساس آن در تعزیر تا نوزده تازیانه زده می شود. ۴۲

در نقد این قول به چند نکته می توان اشاره داشت:

۱. ایشان کمترین میزان حد را هشتاد تازیانه ذکر می کند؛ در حالی که حداقل

۴۱. شیخ طوسی، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۹۷، کتاب الاشریه، مسئله ۱۴.

۴۲. طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۶۹.

این قول، تعزیر را از سی تا نودونه تازیانه با رعایت تناسب میان حدود و تعزیرات قرار می دهد.

در نقد این گفته به نکاتی اشاره می شود:

در این قول حداقل میزان تعزیر سی تازیانه مشخص شده است. روایتی که مستند این قول است، در تعارض با روایات متعدد دیگری است که حداقل میزان تعزیر را کمتر از سی تازیانه قرار داده اند. افزون بر آن، در تعزیراتی که حدی وجود ندارد یا آن حد چیزی مانند قتل و قطع است، تکلیف چیست؟

قول سوم: تناسب به حسب آزاد و بنده

تعزیر فرد آزاد به مقدار حد او و تعزیر برده به مقدار حد برده، نباید برسد. ۴۴

قول چهارم: نظر حاکم

هر کس که واجبی را ترك کند یا حرامی را مرتکب شود، به اندازه ای که حاکم صلاح بداند، تعزیر می شود و مقدار آن در شخص آزاد آن است که به حد آزاد نرسیده، و در برده نیز مقدارش به حد برده نمی رسد. ۴۵

این دو قول می گویند تعزیر کمتر از حد است و ملاک در آزاد حد آزاد و در برده حد برده است. این قول فقط قاعده تعزیر کمتر از حد را بیان داشته و تنها توضیحی که ارائه می دهد این است که میزان و معیار حد در فرد آزاد و بنده به حسب خودشان است، و تفاوت گذاشتن میان تعزیر بنده و آزاد در همه تعزیرات پذیرفتنی نیست و روایات و نظریات فقها خلاف آن است. نقطه ضعف این قول این است که این قول

۴۴. شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۱۵۵.

۴۵. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، دار التراث - الدار الإسلامية، بیروت، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۵۹.

روایی دارد و روایات، عمده مستند آن به حساب می آیند. اینک به بررسی این نکته می پردازیم که روایات کدام یک از اقوال را تقویت می کنند یا فرض دیگری از آنها قابل استفاده است؟

قاعده تعزیر کمتر از حد قاعده ای مسلم در فقه اسلامی و مورد اتفاق همگان است، لکن تفسیر آن به طور عمده به تفسیر حد در این قاعده باز می گردد که مورد اختلاف است. به نظر ما هیچ یک از تفاسیر ارائه شده از این قاعده کامل نیستند و ما می توانیم با توجه به روایات، تفسیر دیگری ارائه کنیم. بحث را با طرح پرسش هایی که پاسخ به آنها روشن کننده مفهوم دقیق قاعده است، پی می گیریم.

۱. حد معیار و ضابطه ای که تعزیر نایستی به آن رسد، چه حدی است؟
۲. آیا مطلق تعزیرات کمتر از مطلق حدود است؟ به دیگر سخن، آیا هر تعزیری کمتر از هر حدی است؟
۳. بیشترین و کمترین میزان تعزیر چه اندازه است و آیا می توان حداقل و حداکثری برای آن در نظر گرفت؟

در پاسخ به پرسش های نخست چند احتمال مطرح است:

۱. حد کامل صد تازیانه؛ یعنی حد زنا معیار است.
 ۲. کمترین میزان حدود که حد قوادی است و هفتاد و پنج ضربه ملاک است.
 ۳. کمترین میزان کل حدود یعنی چهل ضربه حد برده، ملاک است.
 ۴. ملاک در هر تعزیری، حد متناسب با آن باشد که در نتیجه مجازات تعزیری به مجازات حدی متناسب یا هم خانواده نمی رسد.^{۴۷}
- در مورد احتمال اول اگر به طور کلی و مطلق بگوییم بیشترین اندازه تعزیر نودونه تازیانه است - که تعیین آن بر عهده قاضی است و او می تواند مجازات
۴۷. الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۲، ص ۲۹۷.

پاسخ پرسش نخست تا حدی پاسخ پرسش دوم را مشخص کرد؛ بدین گونه که هر تعزیری کمتر از هر حدی نیست تا مطلق تعزیرات کمتر از مطلق حدود باشند، بلکه با توجه به اینکه معیار حد، متناسب با جرم تعزیری است، ممکن است مجازات برخی تعزیرات بیش از حد دیگری و در برخی موارد هم اندازه یا کمتر تعیین شود؛ زیرا ملاک، نرسیدن میزان تعزیر به حد متناسب با آن است و این قاعده، نظری به سایر حدود ندارد که تعزیر همسنگ، کمتر یا بیشتر از آنها قرار گیرد؛ مثلاً تعزیر جرایم جنسی که هم خانواده با زنا هستند، ممکن است بیش از حد قذف، قوادی و... قرار گیرند.

در پاسخ به پرسش سوم می توان گفت: ملاک در سقف تعزیرات، بالاترین حد است؛ یعنی بر اساس این قاعده، هیچ تعزیری نایستی به بالاترین میزان حد برسد. اما در مورد حداقل آن، شاید با در نظر گرفتن روایات، بتوان میزان حداقلی آن را بیش از ده تازیانه قرار داد و کمتر از آن تأدیب است که از شمول تعزیر اصطلاحی خارج می شود.

بررسی موارد نقض قاعده

در ذیل قاعده التعزیر دون الحد در فقه به موارد مخالفی برمی خوریم که تا اندازه ای فرض پذیرش این قاعده را خدشه دار می کند و روایاتی هست که خلاف مقتضای این قاعده را بیان می کند. پاسخ ما در این موارد چیست؟ آیا قاعده التعزیر دون الحد به وسیله این موارد از بین رفته است؛ یا اینکه برای موارد مطرح شده، می توان به گونه ای توجیه مناسبی ارائه کرد؟ آیا در نهایت می توان این موارد را به عنوان استثنائی برای قاعده مذکور پذیرفت؟

پاسخ به این پرسش ها بدون بررسی حکم فقهی این موارد ممکن نیست.

ناگزیر به بررسی این موارد می پردازیم:

حضرت امام صادق(ع) در مورد مرد و زنی که زیر یک لحاف یافت شوند، فرمودند: یکی کمتر از صد تازیانه زده می شوند.

دسته سوم: در این دسته فقط یک روایت وجود دارد و بیان می کند که مجازات این عمل، حد نیست و تنها یک روایت است:

يُونُسُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): الْمَرَأَتَانِ تَنَامَانِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ. فَقَالَ: تَضْرِبَانِ. قَالَ: قُلْتُ: حَدًّا؟ قَالَ: لَا. قُلْتُ: الرَّجُلَانِ يَنَامَانِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ. فَقَالَ: يُضْرَبَانِ. قَالَ: قُلْتُ: الْحَدَّ؟ قَالَ: لَا؛ ٥٤
معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق(ع) گفتم: دو زنی که در زیر یک لباس می خوابند، حکمشان چیست؟ فرمودند: زده می شوند. گفتم: حد؟ فرمودند: نه. گفتم: دو مردی که در زیر یک لباس می خوابند؟ فرمودند: زده می شوند. گفتم: حد؟ فرمودند: نه.

دسته چهارم: این دسته بیان می دارند که حکم این مسئله سی تازیانه است. در این دسته نیز تنها یک روایت وجود دارد و آن روایت سلیمان بن هلال است:

رَوَى الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هِلَالٍ. قَالَ: سَأَلَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ يَنَامُ مَعَ الرَّجُلِ فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ فَقَالَ: ذُو مَحْرَمٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: مِنْ ضَرْوَرَةٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: يُضْرَبَانِ ثَلَاثِينَ سَوْطًا، ثَلَاثِينَ سَوْطًا، قَالَ: فَإِنَّهُ فَعَلَ، قَالَ: إِنْ كَانَ دُونَ الثَّقَبِ فَالْحَدُّ وَإِنْ هُوَ ثَقَبٌ أَتَيْمٌ فَأَيْمًا ثُمَّ ضَرْبٌ ضَرْبَةً بِالسَّيْفِ أَخَذَ السَّيْفَ مِنْهُ مَا أَخَذَ، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: فَهُوَ الْقَتْلُ؟ فَقَالَ: هُوَ ذَلِكَ. قُلْتُ: فَأَمْرَأَةٌ نَامَتْ مَعَ امْرَأَةٍ فِي لِحَافٍ؟ فَقَالَ: ذَاتُ مَحْرَمٍ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: مِنْ ضَرْوَرَةٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: تُضْرَبَانِ ثَلَاثِينَ سَوْطًا، ثَلَاثِينَ سَوْطًا، قُلْتُ: فَإِنَّهَا فَعَلَتْ. قَالَ: فَشَقَّ

و او بر اساس علم خود حد زانی را بر آنها جاری سازد. ۵۷

شیخ صدوق می گوید:

هنگامی که مردی با مردی، یا زنی با زنی، یا زنی با مردی زیر یک لحاف یافت شوند که این اجتماع به دلیل اضطرار باشد، هیچ چیزی بر آنها نیست. اما اگر ضرورتی در بین نباشد، هر کدام سی تازیانه تعزیری زده می شوند. اما زمانی که زنا انجام شده باشد و هر دو غیر محصن باشند، هر یک صد تازیانه زده می شوند. البته این در هنگامی است که آن دو اقرار کنند یا چهار شاهد عادل بدان شهادت دهند. اما اگر آنها اقرار نکنند و بیینه قائم نشد، حال آن که امام می داند عمل موجب حد تحقق یافته، هر کدام نود و نه تازیانه زده می شوند؛ زیرا آن دو اقرار نکرده اند و بیینه نیز قائم نشده است و کمتر از صد تازیانه زده می شود تا تعزیر کمتر از حد باشد. ۵۸

مرحوم علامه مجلسی گفته است:

در ثبوت حد تازیانه، دیدن همچون میل در سرمه دان شرط نیست و اخباری که چنین شرطی در آنها وجود دارد، به حد رجم اختصاص دارند و اخباری که بیان می کنند کمتر از حد تازیانه زده شوند، بر تقیه حمل می شود؛ زیرا که موافق مذهب عامه است. ۵۹

شیخ طوسی در ذیل این دسته از روایات آورده است که حد به معنای تعزیر است؛ چنان که در برخی روایات دیگر نیز آمده است. اختلاف روایات فقط در مقدار آن است که در اختیار امام است و او می تواند از سی تا نود و نه ضربه تعزیر کند. ۶۰

۵۷. استبصار، ج ۴، ص ۲۱۷.

۵۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴.

۵۹. علامه مجلسی، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج ۱۶، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، قم، ۱۴۰۶ق، ص ۸۲.

۶۰. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۴۳.

قتل دانسته اند. به عنوان نمونه، در صحیح‌ه جمیل بن درّاج، امام صادق (ع) در مورد مردی که با چهارپایی نزدیکی کرده، فرمود: کشته می‌شود.^{۶۳} دسته دوم از روایات، حکم آن را حد ذکر کنند، چنان که در صحیح‌ه ابی بصیر آمده است:

عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي رَجُلٍ آتَى
بَهِيمَةً فَأَوْلَجَ قَالَ: عَلَيْهِ الْحَدُّ؛^{۶۴}

ابو بصیر از امام صادق (ع) در مورد مردی پرسید که با چهارپایی نزدیکی و دخول کرده. حضرت فرمود: بر او حد است.

دسته سوم از روایات بیان می‌دارند که حکم بیست و پنج ضربه است و صحیح‌ه عبدالله بن سنان بر آن دلالت دارد.^{۶۵}

اقوال فقها

شیخ طوسی در جمع میان روایات متعارض چند وجه بیان می‌کند:

۱. تعزیر در صورتی است که عمل واقع شده باشد، اما دخول نباشد، اما اگر فاعل دخول کرده باشد، به حسب اختیار امام حکم آن رجم یا قتل است و این در صورتی است که محصن باشد. اگر فاعل دخول کرده و غیر محصن است، حکم آن صد تازیانه (حد زانی) است.

۲. روایاتی را که حکم به قتل کرده‌اند، به مواردی که مرتکب چندین بار فعل را انجام داده و تعزیر شده، اختصاص دهیم و در این صورت حکم آن در مرتبه سوم قتل است و مصداق آن حدیث می‌شود که مرتکبین کبیره هرگاه دوبار حد بر آنها

۶۳. وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۵۹، باب ۱ از ابواب نکاح البهائم، ح ۶.

۶۴. همان، ج ۲۸، ص ۳۶۰، ح ۸.

۶۵. الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۲۰۴.

آیت الله تبریزی می گوید:

کسی در این مسئله قائل به حد صد تازیانه نشده است. ۷۰

بررسی:

بی تردید همان طور که صاحب جواهر فرمود، اجماع قریب به اتفاق فقها بر تعزیری بودن این جرم است و آنان عموماً تعزیر را با دلایل گوناگون پذیرفته اند.

وجه جمعی که می توانیم در این مسأله ارائه کنیم، این است که گفته شود:

روایاتی که در آنها حکم «قتل» بیان شده است - چنان که شیخ طوسی فرموده - حمل بر تقیه شوند و طبعاً این روایات از دایره بحث خارج می شوند. البته این در صورتی است که ثابت شود نظریه اهل سنت چنین بوده است و در مورد روایاتی که حکم مسئله را حد بیان می کنند، گفته شود که معنای حد در این روایات عام است و در برگیرنده تعزیر است. اما روایاتی که حکم آن را بیست و پنج ضربه می دانند، در صدد بیان مصداقی از تعزیر هستند.

در هر صورت اگر نظریه مشهور فقها را بپذیریم، تردیدی نیست که قاعده التعزیر دون الحد نقض نگشته، استثنائی بر آن هم شمرده نمی شود.

اما اگر وجه جمع اول شیخ طوسی را بپذیریم، در صورتی این قاعده نقض می شود که حکم بیان شده تعزیری باشد و در این مورد تعزیر همتر از حد شده است. اما اگر گفته شود این مجازات حدی بوده و مصداقی از حد زنا و مانند آن است، عمومیت و شمول قاعده همچنان باقی می ماند.

در هر حال نمی توان حکم این مسئله را نقضی بر قاعده مذکور شمرد.

(ج) بی حرمتی به کعبه

فقها بیان کرده اند: اگر شخصی در زمان یا مکان شریفی مرتکب جرمی شود،

۷۰. اسس الحدود و التعزیرات، ص ۲۲۷.

بر اساس این روایات، برخی از فقها فتوا داده‌اند. علامه مجلسی پس از ذکر حدیث گوید:

همانا به جهت شکستن حرمت کعبه، کشته می‌شود.^{۷۳}

محقق حلی می‌گوید:

کسی که نجاست خود را در کعبه دفع کند، کشته می‌شود.^{۷۴}

آیت الله خوئی آورده است:

هر کس که عمداً در کعبه ادرار یا مدفوعش را تخلیه کند، از آنجا بیرون برده و گردنش زده می‌شود.^{۷۵}

بسیاری از فقها متعرض چنین بحثی نشده‌اند، ولی ما مخالفی نیز در این مسئله نیافتیم، لیکن سخن در این است که آیا این مجازات به عنوان مجازات حدی از سوی شارع تعیین شده است یا نوع خاصی از تعزیر است که قاعده التعزیر دون الحد را تخصیص می‌زند؟ با تأمل در صدر و ذیل روایات شاید بتوان گفت این حکم، مجازات حدی است و خارج از تعزیرات است و نوع حد آن ارتداد است و ارتکاب چنین جرمی نشانه ارتداد شمرده می‌شود.

از آنجا که صاحب جواهر این روایت را در بحث ارتداد ذکر کرده^{۷۶}، شاید بتوان گفت که ایشان نیز از روایات همین مطلب را فهمیده است و همین طور آیت الله گلپایگانی که روایت را در بحث انکار ضروری دین مطرح کرده است.^{۷۷}

اصل صحیحه عبدالرحیم چنین است: مسلمان کافر نمی‌شود، مگر به سبب

۷۳. ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج ۱۶، ص ۲۹۸.

۷۴. محقق حلی؛ الجامع للشرایع، ص ۵۶۹.

۷۵. مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۱، ص ۴۱۸.

۷۶. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۴۵.

۷۷. آیت الله گلپایگانی، کتاب الطهارة، دار القرآن الکریم، مقرر: محمد هادی مقدس نجفی،

قم، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۰۷.

این قاعده فقهی را پذیرفته و در جایگاه‌ها و موارد متعددی از قانون مورد توجه قرار داده و افزون بر آن، در ذیل ماده ۱۶ به طور صریح بدان اشاره کرده است. در این ماده می‌خوانیم:

تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است، از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.^{۷۹}

این ماده به طور شفاف گویای این مطلب است که شلاق تعزیری نبایستی همپای شلاق حدی قرار گیرد و میزان آن بایستی کمتر از حد باشد و این به معنای پذیرش قاعده مذکور است. چنان که مشاهده می‌کنید در این ماده شلاق تعزیری کمتر از شلاق حدی قرار گرفته و به سایر اقسام تعزیر که آنها نیز کمتر از مجازات حدی اند، اشاره‌ای نشده است. گویا قانون مجازات اسلامی قاعده تعزیر کمتر از حد را فقط در مورد شلاق جاری می‌کند و سایر مجازات‌های اسلامی را از شمول آن خارج می‌داند.

از سوی دیگر، در این ماده روشن نیست حدی که تعزیر بایستی کمتر از آن باشد، چه حدی است؟

روشن نبودن حد پایه و معیار تا تعزیر کمتر از آن قرار گیرد، از ابهامات این ماده است، اما با مراجعه به موارد دیگر قانون، این ابهام باقی نخواهد ماند؛ زیرا در بسیاری از موارد قانون گذار بیشترین میزان تعزیر را مشخص می‌کند. برای نمونه در ماده ۱۵۸ ق. م. ا می‌خوانیم: «هرگاه کذف کننده بعد از اجرای حد بگوید: آنچه گفتم حق بود، تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیر می‌شود».

در ماده ۱۱۲ چنین آمده است: «هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند، فاعل کشته می‌شود و مفعول اگر مکره نباشد، تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیر می‌شود».

۷۹. قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۶.

موارد میزان تعزیر یا حداکثر آن را مشخص کرده، نیازی به اشاره به این قاعده نیست، اما خاطر نشان می شود که در قدم نخست قانون گذار در تمام موارد میزان تعزیر را مشخص نکرده و موارد آن در قانون اندک نیست. برای نمونه، در ماده ۱۱۵ آمده است: «اقرار کمتر از چهاربار موجب حد نیست و اقرار کننده تعزیر می شود».

در ماده ۲۲۰ می خوانیم: «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد»، و موارد دیگری که در آن ها هیچ اشاره ای به میزان تعزیر نشده است. افزون بر آن، در قانون گذاری اصل بر کلیت است و قانون گذار تا آنجا که ممکن است از بیان جزئیات پرهیز می کند، مگر در موارد ضروری^{۸۰} که از این جهت نیز نیاز به بیان اصل قاعده است. در بحث مورد نظر نیز شایسته بود به جای آنکه به طور موردی میزان تعزیر را مشخص کند، اصل قاعده را بیان می کرد و در سایر موارد بدان ارجاع می داد.

در قانون مجازات اسلامی با مواردی روبه رو می شویم که این برداشت را که حد معیار هفتاد و پنج ضربه است، تا اندازه ای مخدوش می کند؛ زیرا در مواد دیگری حداکثر میزان تعزیر مقدار دیگری مشخص شده است. ماده ۱۲۳ این قانون بیان می کند:

هرگاه دو مرد که باهم خویشاندی نسبی نداشته باشند، بدون ضرورت در زیر یک لباس به طور برهنه قرار گیرند، هر دو تا نود و نه ضربه شلاق تعزیر می شوند.

قانون گذار در ماده ۱۳۴ آورده است:

۸۰. احمد حاجی ده آبادی، بایسته های تقنین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۰۱.

می توان مجازاتی هم تراز حد مقرر داشت؟ به نظر می رسد پاسخ منفی باشد. شاید تنها توجیه این باشد که چون تعزیر در دست حاکم است و او در میزان و نوع آن آزاد است، از این رو، قانون گذار این گونه عمل کرده است. خاطر نشان می شود قانون گذار در مواردی مجازات اعدام را برای مرتکبان جرایم مواد مخدر در نظر گرفته است؛ مثلاً برای واردات، صادرات، تولید، توزیع یا فروش تریاک و... آورده است: «بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم»^{۸۲}. در موارد دیگر نیز همین حکم آمده است^{۸۳}، اما به نظر می رسد همان طور که قانون گذار در مواردی اشاره کرده،^{۸۴} این گونه احکام از باب حد مفسد فی الارض باشد و نه تعزیر. نتیجه آنکه قانون مجازات اسلامی قاعده تعزیر کمتر از حد را پذیرفته و حد معیار را که تعزیر باید کمتر از آن باشد، حد قوادی دانسته و در غالب موارد نهایت تعزیر را هفتاد و چهار ضربه مقرر کرده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، محمد جزری: *النهاية في غريب الحديث والأثر*، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۵ ش.
۳. ابن فارس، احمد ابو الحسن: *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۸۲. قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده ۴، بند ۴.

۸۳. همان، ماده ۵، بند ۴، ۵ و ۶. ماده ۸، بند ۶ و ماده ۱۱.

۸۴. همان، ماده ۹.

- ١٧ . شيخ طوسى ، محمد بن الحسن : إستبصار ، دار الكتب الإسلامية ، تهران ، ١٣٩٠ ق .
- ١٨ . شيخ طوسى ، محمد بن الحسن : الخلاف ، دفتر انتشارات اسلامى ، قم ، ١٤٠٧ ق .
- ١٩ . شيخ طوسى ، محمد بن الحسن : تهذيب الاحكام ، دار الكتب الإسلامية ، تهران ، ١٣٦٥ . ش .
- ٢٠ . صافى گلپايگانى ، لطف الله : التعزير ، انواعه ، ملحقاته ، مؤسسة النشر الاسلامى ، ١٣٦٣ ش .
- ٢١ . طائى ، يحيى ؛ التعزير في الفقه الاسلامى ، بوستان كتاب قم ، ١٣٨١ ش .
- ٢٢ . طباطبائى ، سيد على : رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل ، مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم ، ١٤١٨ ق .
- ٢٣ . طريحي ، فخر الدين : مجمع البحرين ، مرتضوى ، تهران ، ١٣٦٢ ش .
- ٢٤ . عاملى (شهيد اول) ، محمد بن مكى : القواعد و الفوائد ، تحقيق و تصحيح : سيد عبد الهادى حكيم ، كتابفروشى مفيد ، چاپ : اول ، قم ، ١٤٠٠ ق .
- ٢٥ . عاملى (شهيد اول) ، محمد بن مكى ، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية ، دار التراث - الدار الإسلامية ، بيروت ، ١٤١٠ ق .
- ٢٦ . عاملى (شهيد ثانى) ، زين الدين بن على بن احمد : مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام ، مؤسسة المعارف الإسلامية ، قم ، ١٤١٣ ق .
- ٢٧ . فاضل لنكرانى ، محمد : كتاب الحدود (تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة) ، مركز فقهى ائمه اطهار (عليهم السلام) ، مقرر : محمد موحدى ، قم ، ١٤٢٢ ق .
- ٢٨ . فاضل مقداد ، جمال الدين مقداد بن عبد الله : التنقيح الرائع لمختصر الشرائع ، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى ، قم ، ١٤٠٤ ق .